دادستان سابق فرانسوی:

کامیک‌ها ابزار جالبی برای مبارزه با تروریسم هستند

■ معصومه طاهری

مارک ترودیویچ، دادستان سابق فرانسوی کامیک استریپ سه‌گانه‌ای با نام «شمارش معکوس» را درباره مبارزه با تروریست راه‌اندازی کرده است. چندی قبل پس از انتشار اولین سناریوی این سه‌گانه، فیگارو سراغ او رفت تا بیشتر از کارش بداند. ترودیویچ از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ در دادگاه عالی پاریس فعالیت کرده و کارشناس مبارزه با تروریسم است که دادرسی‌های زیادی را در این‌باره داشته است. وی تاکنون سه مقاله، یک رمان و یک کامیک با همین موضوع تولید کرده است. در اولین سری این سه‌گانه که توسط ماتز نوشته شده و جوزپه لیوتتی آن را طراحی کرده است، آنتوان دووکسن قاضی مبارزه با تروریسم، ژان فوردریک مارتینز معروف به ابوعثمان که به داعش پیوسته و به سوریه رفته را دنبال می‌کند؛ کسی که مرگش را چندین منبع تأیید کرده‌اند اما با این حال دادستان نگران است که داعشی‌ها با عدم تأیید مرگ او به فرانسه برگردند و حمله‌ای به فرانسه داشته باشند...

■■■

بعد از نوشتن سه مقاله و دو رمان، نویسنده کتاب کامیک استریپ شدید؛ آیا طرفدار هنر نهم هستید؟

بله، اما تخصص فنی ندارم. من با کامیک بزرگ شدم. به نظرم همه چیز در کامیک استریپ نیست بخشی هم باید در وجود خود انسان باشد.

چه چیزی باعث شد تا ماجراجویی کامیک برای شما شروع شود؟

زمانی که شروع به نوشتن اولین کتابم در مورد تروریسم کردم کسی در این‌باره حرفی نمی‌زد. به این موضوع خیلی علاقه دارم، نمی‌خواستم فقط در حد مقاله یا رمان به این موضوع بپردازم. اینکه چرا سراغ کامیک استریپ رفتم باید بگویم این هنر یک رسانه پر رونق است، ابزار جالبی برای صحبت در مورد مبارزه با تروریسم و راه نوآورانه برای برخورد با موضوع مورد علاقه من است. من تشکر می‌کنم از شرکت رو دی سوزن که یک پروژه بلندمدت از من را به شکل سه‌گانه ارائه می‌دهد البته در ابتدا کار فقط کامیک خیلی کوتاهی بود. ما در ماجرای کامیک باید مراقب شخصیت‌های خوب باشیم تا بتوانیم به سمت مسائل عمیق‌تر مربوط به مبارزه با تروریسم حرکت کنیم: مبارزات قدرت، ژئوپولیتیک...

شما در سناریوی اول، انتحاری ژان فوردریک مارتینز را با همکاری ماتز نوشتید. مانند طراحی‌های کار که جوزپه لیوتتی انجام داد. چه چیز آن شبیه شغل شش ساله شماست؟

من تنها سه مقاله و دو رمانم را نوشتم. کار تیمی برایم بسیار مهیج بود و آن را خیلی دوست داشتم. با ماتز مکالمه تلفنی و اینترنتی طولانی‌ای داشتم. داستان را بدون اسکریپت‌نویسی نوشتم. سپس او تصحیح کرد، مطالبی اضافه یا حذف کرد... برخلاف من، او می‌داند ریتم کامیک چطوری باید باشد. او بدون هیچ تردیدی تمام موضوع را دست گرفت و دنبال کرد! برای گفت‌وگوها هم خودش اغلب آنها را نوشت و من تصحیح می‌کردم یا گاهی اوقات مخالفت می‌کردم. برای جوزپه لیوتتی هم را از بین چند طراح پیشنهاد شده توسط رو دی سوزن انتخاب کردیم. او خیلی خوب می‌تواند چیزهایی را که در متن قابل بیان نیست، طراحی کند. وقتی که درباره نقاشی‌های او بحث می‌کردیم، ماتز به نکات تکنیکی خوبی اشاره می‌کرد. من به خاطر نگاه واقع‌بینانه‌تر او بیشتر روی جزئیات متمرکز شدم. حالا که این آلبوم وارد بازار شده است، مثل یک بچه خوشحال هستم که در این پروژه شرکت کرده‌ام، کار جالبی است.

کدام بخش از کار را بیشتر دوست داشتید یا کمتر از آن خوشتان آمد؟

آنچه مد نظرم بوده ظرفیت کامیک است که هم خیلی فنی و هم آموزشی بود. گرچه محتوای زیادتری در مورد مبارزه با تروریسم وجود دارد، مبارزه با تروریسم دنیای وسیعی است که برای مدت طولانی به صورت یک راز بوده و مردم باید بدانند آنها چگونه کار می‌کنند. یکی از مزیت‌های کامیک این است که با استفاده از تصاویر، بسیاری از اتفاقاتی را که رخ می‌دهد می‌توان مطرح کرد. مثلاً یک حمله تصویری و نقاشی شده همیشه به مراتب کمتر از حمله واقعی وحشت دارد. از طرف دیگر متوجه شدم هنوز کامیک‌ها از نظر کیفیت نقص دارند زیرا تصاویر می‌توانند تصور خواننده را کاهش بدهند و چشم‌اندازی را به آنها تحمیل کنند. به نظر می‌رسد کار کمی دیجیتالی شده است.

در کامیک‌ها دو حمله به آمستردام و جاده پاریس داشتید، آیا نمی‌ترسید در حال ایده دادن به داعشی‌ها در آینده هستید؟

امکانات زیادی برای بمب‌گذاری‌ها وجود دارد... آنها می‌توانند در هر زمان به هر کجا بروند. این قدرت تروریست‌ها و البته ضعف ماست.

چه چیز شخصیت قاضی آنتوان دووکسن برای شما جالب بود؟

در بعضی موارد وجه اشتراک داریم، ضرب‌المثلی هست که می‌گوید ماهی‌های بزرگ را با استفاده از ماهی‌های کوچک‌تر بگیرید... آنتونی دووکسن در درون، قالب خیلی خامی دارد و از نظر من خشن و غیرمتمدن است. مصداق آن است که «من بیشتر به خاطر مبارزه با تروریسم زندگی می‌کنم اما نمی‌توانم بدون آن عمل کنم.» با آن خاطرات زیادی در طول این سال‌ها برایم یادآور شد. همسرم زمانی که در ستاد مبارزه با تروریسم بودم خیلی از کارم خسته شده بود(می‌خندد). من همینطوری زندگی کردم خیلی تنش داشتم، اغلب در خانه نبودم، هرگز به طور کامل در تعطیلات یا در آخر هفته‌ها در خانه نبودم.

سؤال شخصی‌تر، شما چطور این همه فشار را در زندگی تحمل می‌کنید؟

مبارزه با تروریسم درباره مسائل انسانی در تمام سطوح است این مسئله تمام نشدنی است. مسئله اصلی این است که آن را دنبال کنیم و به صورت متوالی پیگیر آن باشیم، چراکه رسیدن به هدف شیرین لذتبخش است حتی اگر آن را فقط در اقیانوس بجوییم.

آیا کار کامیک شما برای مخاطب خاصی طراحی شده است؟

کامیک‌های ما برای همه است، اما گروه سنی که بیشتر به آنها علاقه دارم، نوجوانان و جوانان هستند. من اغلب در خانه هستم و برای نوجوانان در دبیرستان سخنرانی می‌کنم، بنابراین خیلی به آنها فکر می‌کنم. آنها بیشتر در معرض ایدئولوژی‌ها هستند. اگر سعی کنیم یک گفتمان ساده‌تر برایشان داشته باشیم سراغ آنها نمی‌روند. ما برایشان قابل اعتماد نیستیم. باید تلاش کنیم همیشه واقع‌بینانه و منحصربه فرد باشیم. این همان چیزی است که در ابتدای کار کامیک نسبت به آن تلاش کردیم.

در چهل و نهمین سالگرد درگذشت جلال آل احمد مطرح شد

جلال پیش از دیگران خود را نقد می‌کرد

■ فرزین ماندگار

یک پژوهشگر و روزنامه‌نگار حوزه تاریخ گفت: آل‌احمد بیش از سایر روشنفکران هم‌عصر خود به خود تخریبی می‌پرداخت. او خودش پیش از آنکه دیگران نقدش کنند خود را نقد می‌کرد.

مراسم چهل و نهمین سالگرد درگذشت جلال آل احمد برای نخستین بار پس از درگذشت او در منزل شخصی او و سیمین دانشور که این روزها موزه جلال و سیمین شده است، برگزار شد.

در این مراسم محمدرضا کائینی، پژوهشگر و روزنامه‌نگار در سخنانی با بیان اینکه آل‌احمد بیش از سایر روشنفکران هم عصر خود به خود تخریبی می‌پرداخت، عنوان کرد: او خودش پیش از آنکه دیگران نقدش کنند خود را نقد می‌کرد. این روزها البته می‌شنویم که برخی می‌گویند آل‌احمد هویت فکری منسجم نداشته است که به نظر من نشان‌دهنده آن است که آل احمد را هنوز به درستی نمی‌شناسند. او در نوجوانی وارد حزب توده شد اما بلافاصله وقتی متوجه شد این حزب به روزپرستی و نه خدمت به ایرانی مایل است از آنها منفک شده و وارد حزب زحمتکشان می‌شود. اما در آنجا هم بقایی را در راستای رسیدن به مطامع شخصی می‌یابد بنابراین بلافاصله به نیروی سومی می‌پیوندد و پس از ۲۸ مرداد به نوعی خوداتکایی می‌رسد. در واقع نوشتن آثاری چون غربزدگی، خسی در میقات و... نشان می‌دهد سیر تفکر آل‌احمد در طول عمرش روشن و هدفمند است و او به درستی و پس از تجربیات زیاد به جایی رسید که انتهای زندگی او بود.

در بخش دیگری از این مراسم حسین قدیانی، نویسنده و روزنامه‌نگار متنی را که آماده کرده بود قرائت کرد: «من به این خانه، فراتر از یک «موزه» به چشم یک «پناهگاه» نگاه می‌کنم! پناهگاهی برای این همه آه بلند که می‌کشیم! بلندتر از ارتفاع کاخ‌های شهر! ممنون حضرت آل‌احمد، بابت این یادگاری! ۵۰ سال گذشت از آن روز که تو از اسالم، سالم برنگشتی و داغت برای همیشه ماند در دل دوستدارانت اما چه خوب که در کتاب، قلم تو و در این حیاط، قدم تو الی‌الابد برای ما مانده است! حرص را خودت خوردی و ناظر بر امانتداری پسندیده همسرت، ارث را گذاشتی برای ما! به شهادت «سنگی بر گوری» این اواخر، همه قصه زندگی‌ات، غصه نداشتن بچه بود! و حالا بشنو! این صدای ونگ‌ونگ فرزندان تو و سیمین است! آن‌هم در خانه‌ات!»

رضا دهشیری | جوان

■ می‌گفت غالب ایرانی‌ها را می‌شناسم

در ادامه مراسم و پس از سخنرانی کوتاه ویکتوریا دانشور، سیدعبدالله انوار از پژوهشگران برجسته کشور به سخنرانی درباره آل احمد پرداخت و گفت: من و جلال ۷۶ سال پیش در مهر ۱۳۲۲ وارد دانشسرای عالی شدیم. من ریاضی می‌خواندم و آل‌احمد ادبیات. آن زمان در دانشکده یک انجمن ادبی داشتیم که من مهملاتی که به اسم شعر می‌سرودم را در آنجا قرائت می‌کردم. جلال هم تازه دست به قلم شده بود و به جلسات ما می‌آمد. در چنین فضایی نوشته‌ها و داستان‌های کوچکش نوشته شد و کم‌کم ترقی کرد تا اینکه وارد حزب توده شد.

انوار ادامه داد: حزب توده در آن سال‌ها حزبی بود که تمام تیپ‌های فکری فهمیده جامعه وارد آن شدند. یادم هست دو استادمان به نام‌های نورایی و محمود سنایی بسیار تأکید داشتند که کارمان را آنجا ادامه دهیم اما متأسفانه طبق رویکردی که حزب پیدا کرد و در واقع استالین داشت، کمونیست نه تنها در آن زمان که همین حالا هم در حال حاضر در دنیا یادآور تنفر است و مترادف با آدم‌کشی است. انوار در ادامه به ماجرای خانه جلال آل‌احمد اشاره کرد و گفت: سال ۱۳۳۰ که سیمین‌خانم از امریکا بورس دریافت کرد و رفت، جلال خانه‌ای نداشت. در پی خانه می‌گشت، من آپارتمانی داشتم در مجاورت خانه خودم که به آل‌احمد دادم تا در آن سکنی بگزینند و اینگونه شد که ما همسایه جلال شدیم. پس از سال‌ها که سیمین‌خانم قصد بازگشت به کشور را داشت، جلال قصد کرده بود تا پیش از بازگشت سیمین خانه‌ای بسازد. زمینی که در حال حاضر خانه جلال و سیمین است، وقفی است. می‌گفت اینجا را میان معلمان تقسیم کردند و من هم گرفتم. من در آن زمان ۳ هزار تومان به واسطه کار کردنم، پس‌انداز کردم که به جلال دادم تا اینجا را بسازد. رفیق مهندسی داشتم به نام مهندس طرفه که برای ساخت اینجا تمام حساب و کتاب‌ها حتی مزد کارگر را او حساب کرد. مجموعاً ۴۵۰۰ تومان می‌شد. باقی را هم آل احمد جور کرد و خانه را ساخت. این خانه خیلی در جوانی به ما خدمت کرد چراکه پس از ۲۸ مرداد وقتی همه ما به لحاظ روحی مشکلاتی داشتیم با خلیل ملکی اینجا می‌آمدیم و تا صبح بحث می‌کردیم. انوار در ادامه گفت: برخی فکر می‌کنند غربزدگی جلال خواننده‌هایش را از او دور کرده و می‌کند اما به واقع کسی مثل او نتوانست در جریانات سیاسی وارد شود و خوب بماند. او می‌گفت قالب ایرانی‌ها را می‌شناسم می‌گفت تا وقتی پول‌پرستی و جاه‌طلبی وجود دارد محال است مرد سیاسی در آنها پدید آید که دست و دلش در برابر پول و پست نلرزد. می‌گفت باید دنبال یک اخلاق نو رفت. انوار در پایان سخنان خود به باورهای مشهد هم اشاره کرد و گفت: جلال می‌گفت باید بازگشت به مذهب داشته باشیم... برای اینکه بتوان در مقابل فقر ایستاد نیاز به یک نیروی مذهبی است و تا این نیرو نباشد ما در ذات باقی می‌مانیم.

■ نقش خانه، خانه اهل قلم

در ادامه محمدحسین دانایی‌فر خواهرزاده جلال و شمس آل‌احمد در سخنانی توضیح داد: انگیزه جلال و سیمین برای آمدن به این خانه وجود نیما یوشیج در مجاورت آن بود. با ساخت اینجا اولین خانه ملکی آنها برپا می‌شود و از اجاره‌نشینی رها می‌شوند. اینجا جایی است که در اول اردیبهشت سال ۱۳۴۷ عده‌ای از نویسندگان، مترجمان، شاعران و روزنامه‌نگاران اساسنامه و مرامنامه اولین تشکل صنفی اهل قلم با عنوان کانون نویسندگان ایران را نوشتند. اهمیت این خانه همین قدر است که جمالزاده در نامه به مصطفی زمانی‌نیا ویراستار جلال آل‌احمد می‌نویسد که خانه جلال در تهیه کردن زمینه برای قیام ملی سهم بسزایی داشت. وی در پایان سخنان خود راز نهفته در این خانه را بزرگ شدن آدم‌ها نامید و گفت: ما راز این خانه و امثال این خانه را راز بزرگ شدن این شخصیت‌ها می‌دانیم و در پی آنیم سرنخی بیابیم و از شیوه بزرگ شدنشان بیاموزیم.

■ روایت مهدی طالقانی از جلال

سیدمهدی طالقانی پسرعموی جلال و شمس آل‌احمد نیز در سخنانی کوتاه گفت: من دو بار جلال آل‌احمد را دیدم. یک بار زمانی که منزل پدرم آمدند تا ایشان را به اسالم ببرند. می‌گفتند که هوای خوبی دارد و می‌شود از تهران به آنجا فرار کرد. اما مرحوم پدرم نپذیرفت و نرفت. یکبار هم مرحوم طالقانی تازه از زندان آزاد شده بودند و دوستان معمم ایشان به همراه جلال به منزل ما آمدند. یکی از آقایان حاضر شروع به تمجید از جلال کرد که آقای طالقانی فرمودند بس کن این تهمت‌ها اصلاً به ایشان نمی‌چسبد. سیمین خانم را هم اولین بار در بیمارستان پارس ملاقات کردم که به دلیل بیماری بستری بودند. پس از این دیدار پایمان به خانه ایشان باز شد و ۱۰ روز یک بار سری به او می‌زدیم. ما از این خانه خاطراتی داریم چراکه مرحوم پدرم بارها به خانه سیمین و جلال آمده بودند. وی همچنین گفت: جلال خانواده مذهبی و تندی داشت و شاید به دلیل فشارهای تند خانواده بود که جذب احزاب شد.

■ جلال با خودش روراست بود

در ادامه مراسم حجت‌الاسلام زائری نیز در سخنانی گفت: هر کسی ممکن است از زاویه‌ای دلبسته جلال باشد ولی من از این منظر دوستش دارم که با خودش روراست بود. برای من این مسئله مهم است. این چیزی است که ما امروز به آن احتیاج زیادی داریم. آن هم در روزگاری که به هم دروغ می‌گوییم و فضای ریا و شعار برپاست. در روزگاری که مجال خود بودن برای افراد کمتر پیش می‌آید روراست بودن با خود اهمیت دارد و پیدا کردن فردی که خودش باشد سخت است. زائری در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه این خانه زمانی می‌توانست موزه شود که مرحوم سیمین دانشور زنده بود، گفت: می‌شد این خانه را زمانی تبدیل به موزه کرد که سیمین باشد و از آن لذت ببرد. ارزش این مسائل زمانی مشخص می‌شود که خود فرد حاضر باشد و ببیند از او قدرشناسی می‌شود.

میراث فرهنگی حادثه‌ساز

■ حسن روانشید*

باید پذیرفت که سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی به‌رغم تلاش‌های بی‌وقفه‌ای که برای برگزاری مصاحبه‌ها در سطح مدیریتی می‌کند اما بیشتر اوقات خود را صرف معضلات گردشگری نموده که نتوانسته از بعد جهانی بازتاب چندانی به خود اختصاص دهد در حالی که تعدادی از ذخایر بی‌بدیل خود را به نحوی از انحا از دست می‌دهد. استان چهارمحال‌وبختیاری علاوه بر اینکه عنوان بام ایران را متعلق به خود می‌داند، یکی از خوش آب‌وهواترین مناطق خاورمیانه در طول تابستان است به طوری که درجه حرارت مرکز آن یعنی شهرکرد در یکی از آخرین روزهای مرداد امسال عدد ۱۱ را نشان می‌دهد و این مزیت به خاطر وجود برف در بیشتر مناطق کوهستانی و غارهای آن است که می‌تواند گردشگران زیادی را از داخل و خارج به‌سوی خود جلب کند. در این استان کوهستانی علاوه بر میراث‌های ملموس و ناملموس تاریخی از جمله شیرهای سنگی فراوان بر مزار سرداران و بزرگان ایل‌ها آثار گرانبها و کم‌نظیری از طبیعت بکر وجود دارد که بایسته است به ثبت جهانی برسد و در این میان می‌توان به روستای مومزایی اشاره کرد که در اکثر فصول پوشیده از برف بوده و درست در همین امتداد شهرستان کوهرنگ در منطقه چلگرد این استان واقع‌شده که سرچشمه دو رودخانه بزرگ کارون و همچنین زاینده‌رود خشکیده می‌باشد مسیری به‌سوی روستای کم‌نظیر و زیارتی توریستی امامزاده سر آقا سید عیسی وجود دارد که یکی از رؤیایی‌ترین و مهیج‌ترین جاده‌های کوهستانی اما پرخطر بوده و تمام طول پاییز و زمستان به دلیل لغزندگی و ریزش برف سنگین مسدود است. همچنین علاوه بر گردشگران داخلی، توریست‌هایی از قاره اروپا به خصوص آلمان همه‌ساله به‌صورت گروهی و در چنین فصلی عازم این منطقه هستند تا روزهای طولانی را در آب‌وهوای بکر آن سپری کرده و در جست‌وجوی گیاهان پرارزش و کمیاب دارویی باشند. در این استان جاذبه‌های دیدنی فراوانی وجود دارد که قرن‌ها از تاریخ خلقت آنها در دامنه طبیعت می‌گذرد و گونه‌ای دیگر از میراث‌ها به‌جز ملموس و ناملموس می‌باشد که از میان آنها می‌توان به غار یخی اشاره کرد. این مکان اعجازآور یکی از صنایع بدیع و زیبای طبیعت است که قرن‌ها از یخ‌زدگی و برودت آن می‌گذرد و بیننده را به یاد یخچال‌های قبل از تاریخ می‌اندازد. این غار نیز یکی از جذابیت‌های خارق‌العاده منطقه می‌باشد که در تمام طول سال پذیرای هزاران گردشگر داخلی و خارجی، کوهنوردان و یخ‌نوردان بوده اما در هیچ زمان سازمان میراث فرهنگی همت به ثبت رساندن و نگهداری از این جاذبه ارزشمند را نداشته که سالانه هزاران گردشگر را به این منطقه چادرنشین ایل بختیاری بکشاند تا ضمن بازدید از این پدیده، تولیدات صنایع‌دستی و لبنی آنها را خریداری کنند تا علاوه بر کاری فرهنگی جنبه اقتصادی هم داشته باشد یا حداقل مأموری را در آن بگمارد تا به حراست از آن بپردازد. پنج‌شنبه گذشته درحالی که حدود ۳۰ نفر از گردشگران محو تماشای یخ‌ها در این غار بودند قسمتی از سقف ریزش و سه نفر از آنها را مصدوم کرده بود که منجر به فوت یک نفر می‌شود. شاید با وقوع این حادثه مسئولان امر از جمله میراث فرهنگی کشور از خواب غفلت بیدار شده و با خود بیندیشند این گونه آثار کمیاب در دنیا می‌تواند منبع جایگزینی خوب و باارزش افزوده بالا برای جذب توریست باشد. گویا این سازمان همچنان حیاط‌خلوت باقی مانده که تنها به حدفاصل میدان انقلاب و برج میلاد تهران محدود می‌شود و آنچه در زمینه میراث و در وسعت یک میلیون و ۶۰۰ هزار کیلومتری کشور وجود دارد نیازمند شناسایی و حراست و حفاظت نیست تا علاوه بر پابرجا ماندن حادثه‌ساز هم نباشد.

***روزنامه‌نگار پیشکسوت**

آگهی تغییرات شرکت تکنو تار سهامی عام به شماره ثبت ۱۳۸۰۷ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۵۸۶۸۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۴/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۶ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی وخدمات مالی اگاه نگرحسابداران رسمی به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۱۵۹۹۳ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی وخدمات مالی کوشا منش به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۳۴۱۱۰ به عنوان بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب شدند . روزنامه کثیرالانتشار دنیای اقتصاد و جوان به عنوان روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی های شرکت انتخاب شد .

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۴۲۲۳۵)

آگهی تغییرات شرکت نیک اندیشان بازرگان پارسه سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۳۶۴۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۴۲۲۲۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۳/۱ و مجوز مربوطه تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مصطفی کریمی پناه به کدملی ۳۸۷۵۵۱۳۵۱ به نمایندگی شرکت رشد پایدار ایرانیان به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۴۲۲۱۰ به عنوان رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و حمید حسنی به کدملی ۴۹۱۱۵۰۰۰۰۱ به نمایندگی شرکت کرانه نیلگون افق به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۴۰۲۰۳ به عنوان نایب رئیس هیئت مدیره و سیدعلی میررضی رنانی به کدملی ۰۳۲۰۰۵۳۹۶۲ به نمایندگی شرکت افق نیلی خلیج فارس به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۳۷۷۶۹ به عنوان عضو هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۴۳۸۹۱)

آگهی تغییرات شرکت یادمان بردیا سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۱۶۱۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۵۵۶۲۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۲/۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اختیارات هیئت مدیره طبق ماده ۱۴ اساسنامه به شرح ذیل به مدیرعامل تفویض گردید. انجام کلیه امور جاری شرکت – انجام هرگونه داد و ستد اموال منقول مطابق آئینامه معاملات – وصول و دریافت وجه هرنوع مطالبات – مذاکره جهت اخذوام از بانکها ۵– تنظیم مفاصاحساب – مشورت و مذاکره و سازش و حل وفصل دوستانه در مورد کلیه مسائل مربوط به شرکت– ارجاع هریک یا کلیه اختلافات شرکت و تعیین داوری و اقامه دعاوی و تعیین وکیل – تنظیم بودجه شرکت –افتتاح حساب در بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و انتقال و مسدود کردن حسابهای مزبور–پیشنهاد رهن و وثیقه نهادن اموال منقول شرکت و قبول رهنیه و وثیقه –نصب و عزل عاملین و وکلا و نمایندگان و کارمندان با تعیین حقوق و حق الزحمه و حق الوکاله و پاداش آنها –تفوض اختیارات لازم برای انجام امور فنی و اداری شرکت به اشخاص حقیقی و حقوقی

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۴۲۲۲۵)

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی

به این وسیله از کلیه صاحبان محترم سهام شرکت فنی مهندسی آذر افروز به شماره ۲۳۲۳ دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه عمومی عادی که در ساعت ۹ صبح روزشنبه ۱۳۹۷/۶/۳۱ در محل شرکت واقع در نجف آباد خیابان ۱۷ شهریور شرقی نبش کوچه میخک پلاک ۱۴ حضور به هم رسانند.

دستور جلسه: ۱. انتخاب هیئت مدیره ۲. انتخاب بازرسان

مدیرعامل – محمدحسین صالحی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابررای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۲۴۰۰۹۰۰۲۲۹۵ – ۱۳۹۷/۵/۱۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه وبلامعارض متقاضی خانم زری درسرا فرزند اسمعیل به شماره شناسنامه ۲۰۳۹۰ صادره از دشتستان به شماره ملی ۳۵۲۰۱۹۸۲۴۱ در شش دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۰۲/۴۰ متر مربع پلاک ۱ فرعی از ۸۱۳ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۱۳اصلی واقع در بخش دو بوشهرخریداری از سهام مشاعی مالک رسمی گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد

نوبت اول: ۱۳۹۷/۶/۳ – نوبت دوم: ۱۳۹۷/۶/۱۸

۸۲۲م/الف/ **سهراب خواجه– رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر**

آگهی حصروراثت

آقای اسد اله گشتیان دارای شناسنامه شماره ۳۷۳۰۴۲۹۱۵۹ /۲۰۷۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۸/۹۷۰ از این دادگاه درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان صبیعه پدرامیان به شناسنامه ۳۷۳۰۳۸۸۰۳۷ / ۸۲۱۷ در تاریخ ۱۳۷۲/۷/۱۷ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به افراد مشروحه زیر: ۱. اسد اله گشتیان ش ش ۲۰۷۱ ت. ت: ۱۳۳۹/۱/۱ شماره ملی ۳۷۳۰۴۲۹۱۵۹ پسر متوفی ۲. حمیرا گشتیان ش. ش: ۲۲۰ ت. ت:۱۳۲۱/۳/۲۰شماره ملی ۳۷۳۱۷۴۲۶۲۴ دختر متوفی ۳ منیره گشتیان ش. ش: ۱۵۶۰۴ ت. ت: ۱۳۲۷/۱۲/۲۹شماره ملی: ۳۷۳۰۱۵۴۱۸۴ دختر متوفی ۴. مریم گشتیان ش. ش: ۱۶۲۳۷ ت.ت: ۱۳۲۹/۷/۴شماره ملی ۳۷۳۰۱۶۰۵۱۶ دختر متوفی ۵. مهناز گشتیان ش.ش: ۲۵۳۲۴ ت. ت: ۱۳۴۳/۱۲/۱ شماره ملی ۳۷۳۰۲۵۱۵۸۹ دختر متوفی ۶. شهناز گشتیان ش. ش: ۴۵۰۲ ت. ت: ۱۳۴۴/۶/۳۱ شماره ملی ۳۷۳۰۴۵۲۲۶۶ دختر متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت پی در پی ماهی یک مرتبه آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

م‌الف: ۶۹۸۵/ **رئیس شعبه ۸ شورای حل اختلاف سنندج**